

خدا چون سلام به روی ماهت...

زک کهکشانی

جلد ۳: سیاره‌ی دایناسورها



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

زنگنه‌کشانیا

سیاره‌ی دایناسورها

ری اورایان
کولین جک
شیدا رنجبر



سرشناسه: اورایان، ری، O'Rayan, Ray
عنوان و نام پدیدآور: سیاره‌ی دایناسورها / نویسنده ری اورایان؛
تصویرگر کولین جک؛ مترجم شیدا رنجبر
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص، مصور، ۱۴/۵×۲۱/۵ سم.
فروست: زک کهکشانی؛ ۳.
شابک: دوره ۲-۴۸-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸؛ دوره ۱-۲-۵۱-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: The prehistoric planet, 2015
یادداشت: گروه سنی: ج.
موضوع: داستان‌های علمی
موضوع: Science Fiction
موضوع: موجودات فرازمینی -- داستان
موضوع: Extraterrestrial beings -- Fiction
موضوع: دایناسورها -- داستان
موضوع: Dinosaurs-- Fiction
شناسه‌ی افزوده: جک کالین، تصویرگر
شناسه‌ی افزوده: Jack, Colin
شناسه‌ی افزوده: رنجبر، شیدا، ۱۳۴۰ - مترجم
رده بندی دیویی: ۱۳۹۶ س ۵۰۰الف۱۹۴ دا
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۹۲۱۰۳۲



انتشارات پرتقال
زک کهکشانی
جلد ۳: سیاره‌ی دایناسورها
نویسنده: ری اورایان
تصویرگر: کولین جک
مترجم: شیدا رنجبر
ویراستار: شهرام بزرگی
مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور
طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امین نصر
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / افسانه قربانی
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی
شابک: ۲-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸
نویت چاپ: اول - ۹۶
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اندیشه‌ی برتر
قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

فهرست

- ۷ فصل ۱: بدو!
- ۱۷ فصل ۲: دردسرهای تروسور
- ۲۹ فصل ۳: نبولونیکس
- ۳۹ فصل ۴: فرا - انگور!
- ۴۷ فصل ۵: سفر غیرمنتظره
- ۵۷ فصل ۶: زک نلسون خیال پرداز
- ۶۹ فصل ۷: آماده‌ی پرواز!
- ۸۱ فصل ۸: مسافر قاچاق
- ۹۵ فصل ۹: سیاره‌ی ماقبل تاریخ
- ۱۱۱ فصل ۱۰: بازگشت به نبولون - خانه





فصل ۱ بدو!

زک نلسون توی جنگلی می‌دوید.
همه‌ی درخت‌هایی که می‌دید، عجیب‌وغریب بودند. اصلاً
شبیه درخت‌هایی نبودند که روی زمین دیده بود؛ حتی شبیه
درخت‌هایی هم نبودند که تاحالا در سیاره‌ی خانه‌ی جدیدش،
نبولون، دیده بود.

زک در دوردست آبشار بسیار بزرگی را دید. ارتفاعش
صدها متر بود. آب به دریاچه‌ای که زیرش بود، می‌خورد
و صدایی مثل رعدوبرق ایجا می‌کرد.

زک در دوردست آبشار بسیار بزرگی را دید. ارتفاعش
صدها متر بود. آب به دریاچه‌ای که زیرش بود، می‌خورد و
صدایی مثل رعدوبرق ایجاد می‌کرد.
زک که در کوره‌راهی جنگلی می‌دوید، یک لحظه حواسش
پرت شد.

آخ!

پایش به تخته‌سنگ سفید بزرگی گیر کرد و روی
شکمش افتاد.





وقتی دوباره بلند شد که به راهش ادامه دهد، صدایی شنید:

کو!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!

به دنبال این صدا، صدای جیغ تیز و زیری از پشت سرش شنید.

اییییییییییی!

زک به طرف صخره‌ی سفید برگشت و تازه آن موقع بود که متوجه شد این اصلاً صخره نیست، بلکه تخمی بسیار بزرگ است!

موجود کوچکی از توی تخم بیرون آمد و جیغ کرکنده‌ی دیگری کشید.

کو!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!!



زک با خودش گفت: از این حیوان
عکس زیاد دیده‌ام. بچه‌ی تیرانوساروس
رکس است! این‌ها وقتی کوچک هستند، خیلی
بانمک‌اند.

ناگهان زمین لرزید و صدای نعره‌ای در فضا پیچید.

ای‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی‌ی!

زک بالا را نگاه کرد و تیرانوساروس رکس گول‌پیکری را
دید که می‌غُرِّید و به‌طرفش می‌آمد.